وحدت مناط و الغاى خصوصيت

***: جعفر ساعدى***

**[ من صفحة 104 الی 117]**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | |  |  |  | | | **تنقيح مناط و الغاى خصوصيت**  **جعفر ساعدى**  **چكيده:**  **نويسنده در اين مقاله نخست لزوم كشف حكمت احكام شرعيه و نفى خصوصيت از آنها را مورد بررسى قرار داده و سپس معانى و اطلاقات مختلف از «مناط» را بيان مى‏كند سابقه تاريخى بحث «وحدت مناط» و مقايسه آن با اصطلاحات مشابه در ادامه بحث آمده و از ميان مواردى كه احتمال وقوع اشتباه ميان آنها با الغاى خصوصيت و وحدت مناط وجود دارد، قياس موافقت، تحقيق مناط، تخريج مناط، حكمت حكم و عموم و اطلاق مورد مداقه قرار گرفته است. نويسنده سپس احراز ملاك حكم و يا موضوع حكم را به عنوان دو عامل مؤثر در الغاى خصوصيت مطرح كرده و براى الغاى خصوصيت سه شرط اصلى بازگو مى‏كند. اختلاف در ملاكهاى احكام و مثالهايى در اين باب، موضوع بعدى مقاله بوده و پايان بخش آن نيز شرح مناطهاى تشريعى و حفظى است.**  **كليد واژگان:**  **وحدت مناط ؛ الغاى خصوصيت؛ قياس موافقت؛ تحقيق مناط؛ تخريج مناط؛ حكمت حكم؛ عموم و اطلاق؛ مناط تشريعى؛ مناط حفظى.**  **با وجود اينكه شريعت اسلامى از نظر اصول و روش‏ها واضح و روشن است اما در اين ميان، عوامل زيادى وجود دارد كه مانع رسيدن بسيارى از احكام به مكلّفين مى‏شوند.**  **قواعد و اصول نيز، تنها وظيفه عملى مكلف را مشخص كرده و كارآيى ديگرى** |   **[104]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **وحدت مناط و الغاى خصوصيت** |  |  | | | **ندارند؛ زيرا قواعد و اصول نمى‏توانند مصالح و ملاكاتى را كه در عمل به احكام واقعيه فوت مى‏شود، براى مكلّف جايگزين كنند.**  **بسيار روشن است كه تلاش هايى كه جهت وسعت بخشيدن به محدوده عمل مكلفين، با استفاده از ادلّه اجتهادى صورت مى‏گيرد در بسيارى از موارد، در گروّ به دست آوردن ملاك و علت حكم شرعى و نفى خصوصيّت از آن است؛ زيرا بدون آنها حكم تعداد زيادى از موضوعات شرعى نامعلوم باقى مى‏ماند. بنابراين اگر كشف و استخراج مناط احكام نبود، مجال و گستره استنباط براى فقيه بسيار محدود بود؛** **[(1)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "105f1" \o " الحدائق الناضره، ج4، ص193.) زيرا اگر چه ائمه معصومين (ع) راه حل‏هاى مناسبى براى تمامى موضوعات مبتلا به عصر خودشان را بيان كردند ولى آن موضوعات در قياس به موضوعاتى كه مكلّفين در زمان‏هاى بعد، به آن گرفتار مى‏شوند، ناچيز است؛ پس اگر كشف و استخراج ملاكهاى احكام و نفى خصوصيت از آن نبود، مكلفين نسبت به تعداد زيادى از احكام شريعت مقدس جاهل مى‏ماندند و از كسب بسيارى از مصالح احكام محروم شده و در دام مفاسدى كه مترتّب برترك احكام است، گرفتار مى‏شدند. با توجه به مطالب ذكر شده اهميت بحث «وحدت مناط و الغاى خصوصيت» مشخص مى‏شود.**  **«مناط» در لغت، عبارت از آن چيزى است كه شى‏ء به آن مرتبط و وجود آن متوقّف بر آن است.** **[(2)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "105f2" \o " الحدائق الناضره، ج4، ص193.) «نياط» رگى است كه به قلب متصل بوده و حيات انسان متوقف بر آن است** **[(3)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "105f3" \o " الحدائق الناضره، ج4، ص193.) و جمله «يكاد منه نياط القلب ينحذق»** **[(4)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "105f4" \o " الحدائق الناضره، ج4، ص193.)، يعنى «نزديك بود رگ قلب او قطع شود»، نيز به همين معنى اشاره دارد.**  **اما در اصطلاح: عبارت است از ملاك و علّتى كه حكم شرعى براساس آن وضع شده است؛ مانند: مست كنندگى كه علت حرمت شراب است.** **[(5)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "105f5" \o " الحدائق الناضره، ج4، ص193.)**  **[(1)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "1051) الحدائق الناضره، ج4، ص193.**  **[(2)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "1052) الصحاح، ج3، ص1165، س 33؛ مجمع البحرين، ج4، ص277.**  **[(3)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "1053) مصباح المنير: ص630.**  **[(4)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "1054) كتاب العين، ج3، ص42، س13.**  **[(5)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "1055) اين معناى اصطلاحى نتيجه‏اى است كه از مطالعه آثار علماء به دست آورده‏ايم.** |   **[105]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **سال 13 ≈ شماره 50** |  |  | | | **در ادامه، موارد ديگرى از به كارگيرى لفظ مناط را كه ميان علماء رايج است، ذكر مى‏كنيم كه در هيچ كدام معناى اصطلاحى آن مقصود نيست.**  **در بعضى موارد از لفظ مناط، موضوعى كه توسط آن، حكم به فعليّت مى‏رسد مورد نظر بوده است؛ مثل ترس و خوف كه موضوعى براى فعليت يافتن نماز خوف است.** **[(6)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "106f6" \o " تذكرة الفقهاء ،ج4، ص455.) گاهى از لفظ مناط، معيار و ملاكى كه توسط آن، بعضى از مفاهيم مشخص مى‏شود، مقصود بوده است؛ مثل اين كه گفته مى‏شود: مناط در شناخت فلان نص عرف مى‏باشد.** **[(7)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "106f7" \o " تذكرة الفقهاء ،ج4، ص455.) در بعضى موارد مقصود از مناط، محورى است كه بحث پيرامون آن صورت مى‏گيرد؛ مثلاً در باب رضاع گفته مى‏شود: چاره‏اى از بيان كميّت و كيفيت رضاع نداريم ؛ زيرا مناط اختلاف علما در حكم به حرمت همين است.** **[(8)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "106f8" \o " تذكرة الفقهاء ،ج4، ص455.)**  **تمامى اين اطلاقات و كاربردها، خارج از معناى اصطلاحى لفظ «مناط» است.**  **اما الغاى خصوصيّت، عبارت از توجه نكردن به ويژگى وارد شده در دليل حكم شرعى است؛ به طورى كه آن را از خصوصيات مورد و از تطبيقات حكم شرعى به حساب آوريم. با اين تعريف، جداسازى بين الغاى خصوصيت و وحدت مناط كه هيچ گونه خصوصيتى براى آن در دليل حكم شرعى لحاظ نشده است، امكان‏پذير مى‏شود؛ زيرا در وحدت مناط، اشتراك موارد متعدد در يك علّت لحاظ شده كه منجر به اشتراك افراد، در يك حكم خواهد شد و از آن به «تنقيح مناط» نيز تعبير مى‏شود.**  **رابطه بين الغاى خصوصيّت و وحدت مناط، رابطه كاشف و منكشَف است؛ به اين صورت كه عرف، خصوصيت و ويژگى ذكر شده در مورد حكم شرعى را به سبب وجود مناسبت بين حكم و موضوع، نفى و ملغا مى‏كند** **[(9)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "106f9" \o " تذكرة الفقهاء ،ج4، ص455.) و اين عمل عرف، كاشف از وحدت**  **[(6)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "1066) تذكرة الفقهاء ،ج4، ص455.**  **[(7)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "1067) جواهر الكلام، ج35، ص281؛ قواعد الفقهية (بجنوردى)، ج3، ص66 و 280.**  **[(8)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "1068) جامع المقاصد، ج12، ص267.**  **[(9)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "1069) مقصود از مناسبت حكم و موضوع همان ذوق و مرتكزات عرفى عام است كه باعث يك ذهنيت مشترك و فهمى واحد از مسئله مى‏شود و گاهى از آن به فهم اجتماعى از نص تعبير مى‏شود.** |   **[106]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **وحدت مناط و الغاى خصوصيت** |  |  | | | **علت و ملاك بين موضوع داراى آن ويژگى و موضوع فاقد آن ويژگى است. البته در بعضى موارد عكس اين رابطه، حاصل مى‏شود؛ به اين صورت كه خود مناط و ملاك حكم، كاشف از عدم دخالت خصوصيت ذكر شده، در حكم شرعى است؛ مانند مواردى كه ملاك و مناط حكم، نصّ شرعى باشد كه همين احراز مناط، مقدمه نفى خصوصيّت و ويژگى ذكر شده در حكم شرعى است. پس گاهى نفى ويژگى در خصوصيت، كاشف از وحدت ملاك است و گاهى وحدت ملاك، كاشف از عدم دخالت خصوصيت مورد، در حكم شرعى است.**  **البته تفاوت مذكور بر مبناى عدم اتحاد معناى وحدت مناط و نفى خصوصيت است. اما بنابر تفسير عده‏اى از وحدت مناط كه آن را نفى بعضى از خصوصيات و ويژگى هايى مى‏دانند كه شارع مقدس، حكم را به همراه آنها آورده است و صلاحيّت اعتبار شدن در ملاك و علّت حكم را ندارند،** **[(10)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "107f10" \o " شرح طوفى ،ج3، ص237، همانطور كه در حاشيه روضة الناظر و جنة الناظر نقل شده است، ج2، ص148، چاپ مؤسسه الريان، بيروت.) ديگر مجالى براى اين بحث باقى نمى‏ماند.**  **سابقه تاريخى اصطلاح وحدت مناط و الغاى خصوصيت**  **اين اصطلاح زمانى در بين متأخّرين شايع گشت كه متقدمين از آن با عنوان «منصوص العلة» و يا «تعدّى إلى غير مورد النص بدليل قطعي»، يعنى: «تجاوز از غير مورد نصّ با وجود دليل قطعى»، استفاده مى‏كردند.** **[(11)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "107f11" \o " شرح طوفى ،ج3، ص237، همانطور كه در حاشيه روضة الناظر و جنة الناظر نقل شده است، ج2، ص148، چاپ مؤسسه الريان، بيروت.) بايد توجه داشت كه غزالى همين اصطلاح را بيش از 900 سال پيش در بحث از وجوب كفاره بر كسى كه كنيزش را در ماه رمضان وطى كرده، استعمال كرده و گفته است:**  **اگر كنيزش را وطى كند كفاره را بر او واجب مى‏كنيم؛ زيرا مى‏دانيم كه حكم به كفاره در ماه مبارك رمضان وابسته به منكوحه بودن موطوئه نيست، بلكه وطى به زنا نيز به آن ملحق مى‏شود؛ زيرا اين نوع از الحاقات، معلوم بوده و از تنقيح**  **[(10)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10710) شرح طوفى ،ج3، ص237، همانطور كه در حاشيه روضة الناظر و جنة الناظر نقل شده است، ج2، ص148، چاپ مؤسسه الريان، بيروت.**  **[(11)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10711) فوائد الرجاليه (بحرالعلوم) ،ج3، ص214.** |   **[107]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **سال 13 ≈ شماره 50** |  |  | | | **مناط حكم بعد از حذف آنچه كه در سيره و روش شارع، تأثيرى در احكام آن ندارد، خبر مى‏دهد.** **[(12)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "108f12" \o " المستصفى، ج2، ص232.)**  **مقايسه و تفكيك :** **[(13)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "108f13" \o " المستصفى، ج2، ص232.)**  **در اين قسمت، تعدادى از اصطلاحاتى را كه نزديك به دو اصطلاح «الغاى خصوصيت» و»«وحدت مناط» هستند، براى تكميل بحث و جلوگيرى از وقوع اشتباه بين آنها مورد بررسى قرار مى‏دهيم:**  **1 - قياس: عبارت از سرايت حكم از موضوع خود، به موضوع ديگر به گمان مشاركت موضوع دوم با اوّلى در علّت حكم** **[(14)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "108f14" \o " المستصفى، ج2، ص232.) است كه اين معنا براى قياس از نظر مذهب شيعه كاملاً مردود و باطل است.**  **با اين تعريف از قياس، تفاوت بين آن و نفى خصوصيت روشن مى‏گردد؛ زيرا در مواردى به نفى خصوصيت از حكم تمسك مى‏شود كه به عدم تأثير خصوصيت در موضوع حكم، يقين داشته باشيم؛ مانند اين كه گفته شود: «مردى بعد از آن كه از نماز فارغ شد در وضويش شك كرد»** **[(15)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "108f15" \o " المستصفى، ج2، ص232.) يا «خون بينى ام بر لباسم ريخت»** **[(16)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "108f16" \o " المستصفى، ج2، ص232.) . در اين جا عرف، حكم را براى «شك و خون» ثابت مى‏داند، نه براى «مرد و لباس» به خلاف قياس كه حكم در آن به موضوعى تعلق گرفته كه داراى خصوصيتى است و قياس كننده با سببهاى ظنى و اعتبارى، حكم را به موضوعى كه داراى آن خصوصيت نيست سرايت مى‏دهد** **[(17)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "108f17" \o " المستصفى، ج2، ص232.). شايد عدم تمايز بين اين دو اصطلاح سبب شده باشد كه عدّه‏اى ابن جنيد را به قياس در مسائل فقهى متهم**  **[(12)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10812) المستصفى، ج2، ص232.**  **[(13)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10813) اصول العامه، ص313 ـ 316؛ مناط الأحكام، ص 12 و 13؛ معجم المصطلحات الاصوليه، ص49 و 90؛ روضة الناظر، ص 146؛ المستصفى، ج2، ص54.**  **[(14)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10814) اصطلاحات الاصول، ص226.**  **[(15)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10815) وسائل الشيعه، ج1، ص47 باب 42 از ابواب وضو، ح5.**  **[(16)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10816) همان، ج3، ص402 باب 7 از ابواب نجاسات، ح2.**  **[(17)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10817) مكاسب محرّمه (امام خمينى (ره)) ،ج2، ص45.** |   **[108]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **وحدت مناط و الغاى خصوصيت** |  |  | | | **كنند، مانند مسأله مذى كه آن را مانند بول، ناقض وضو اعتبار كرده است و مسأله شفعه كه حق شفعه را براى شريك، در هر نوع معاوضه‏اى ـ اگر چه بيع هم نباشد ـ ثابت مى‏داند و علت آن را اشتراك بقيه معاوضات با بيع، در حكمتى كه بنابر آن حق شفعه بنا گرديده است، مى‏داند. همچنين مسأله دين مؤجّل (مدت دار) كه آن را بر شخص مفلس، حالّ و غير مدّت دار دانسته و او را با شخص ميّت قياس كرده است كه تمامى ديون او حالّ و غير مدت دار مى‏شوند و موارد** **[(18)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "109f18" \o " مختلف الشيعه، ص57، سطر 25، ص404، سطر 38، ص483، سطر 1، ص493، س 28.) ديگرى كه از آنها التزام او به قياس باطل به ذهن خطور مى‏كند، خصوصاً اين كه ابن جنيد، مدت زيادى از عمر خود را با تفكّر اصولى اهل سنّت مأنوس بوده است. اگر چه در اين ميان عده‏اى هم مستند او را در مسائل ذكر شده، همان وحدت مناط و نفى خصوصيت دانسته‏اند ولى از نظر بحر العلوم اين نظر بعيد است، خصوصاً اين كه كسانى كه به وى اتهام عمل به قياس را وارد كرده‏اند شخصيتهاى بزرگى؛ همچون شيخ مفيد بوده‏اند كه به درجات عالى از علم رسيده‏اند و فرق قياس و وحدت مناط را به خوبى مى‏دانسته‏اند.** **[(19)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "109f19" \o " مختلف الشيعه، ص57، سطر 25، ص404، سطر 38، ص483، سطر 1، ص493، س 28.)**  **2 ـ مفهوم موافقت: همان مدلول التزامى است كه اقتضاى ثبوت نفس حكم در مدلول مطابقى را براى موضوعى ديگر كه در دليل نيامده، دارد.**  **در مفهوم موافقت، بايد جريان ملاك حكم مدلول مطابقى در موضوع فرعى، از جريان همان ملاك در موضوع اصلى وارد شده در دليل، قوى‏تر باشد؛ مانند اين آيه شريفه: «به پدر و مادر خود اف نگو»** **[(20)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "109f20" \o " مختلف الشيعه، ص57، سطر 25، ص404، سطر 38، ص483، سطر 1، ص493، س 28.) كه از آن اولويت حرمت كتك زدن و اهانت به ايشان استفاده مى‏شود** **[(21)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "109f21" \o " مختلف الشيعه، ص57، سطر 25، ص404، سطر 38، ص483، سطر 1، ص493، س 28.) به خلاف الغاى خصوصيت كه صاحب خصوصيت در مناط قوى‏تر از فاقد آن نيست.** **[(22)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "109f22" \o " مختلف الشيعه، ص57، سطر 25، ص404، سطر 38، ص483، سطر 1، ص493، س 28.)**  **از موارد ديگرى كه باعث جدايى الغاى خصوصيت از مفهوم موافقت مى‏شود آن است كه**  **[(18)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10918) مختلف الشيعه، ص57، سطر 25، ص404، سطر 38، ص483، سطر 1، ص493، س 28.**  **[(19)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10919) الفوائد الرجاليه (رجال بحر العلوم)، ج3، ص214.**  **[(20)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10920) الاسراء، آيه 23.**  **[(21)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10921) معجم المصطلحات الأصوليه، ص153.**  **[(22)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "10922) اين نتايج بررسى و مقايسه بين دو اصطلاح مى‏باشد.** |   **[109]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **سال 13 ≈ شماره 50** |  |  | | | **سرايت و تعدّى از اصل به فرع در مفهوم موافقت، مى‏تواند توسط قرينه عقليه صورت بگيرد، به خلاف الغاى خصوصيت كه سرايت حكم به موضوع فاقد خصوصيت به وسيله قرينه‏اى غير عقليه صورت مى‏گيرد، خواه قرينه لفظى باشد مثل قرينه‏اى كه مستند به مناسبت حكم و موضوع است و خواه قرينه غير لفظى باشد مثل مواردى كه مستند به اجماع و غير آن است.**  **3 ـ تحقيق مناط: عمليات تطبيق قاعده‏اى مسلّم و تأكيد بر جريان آن در مصاديق احتمالى را تحقيق مناط مى‏گويند؛ مانند: سعى در شناختن جهت قبله كه هيچ شكى در وجوب استقبال به قبله در نماز وجود ندارد.**  **4 ـ تخريج مناط: سعى در استخراج ملاك و كشف آن از حكمى است كه از طرف شارع، نسبت به آن هيچ اشاره و نصّى وارد نشده است؛ مانند حكم به حرمت ربا در گندم و تعميم و گسترش حكم آن براى هر مكيلى به ادّعاى آن كه علت تحريم ربا در گندم مكيل و غير موزون بودن آن است.**  **5 ـ حكمت حكم: همان مصلحتى است كه در تشريع احكام لحاظ شده است و در صورت عمل به حكم شرعى حاصل مى‏شود. البته امكان عدم وجود مصالح با التزام به احكام در بعضى از زمان‏ها وجود دارد. پس نمى‏توان حكمت احكام را به عنوان نشانه‏اى براى حكم شرعى به شمار آورد؛ زيرا با علل و مناط‏هاى احكام از اين جهت تفاوت دارد؛ چون وجود و عدم حكم شرعى متوقف بر وجود و عدم مصالح آن نيست.**  **از اين موارد، خيار حيوان است كه فقط براى مشترى ثابت است و گفته شده كه حكمت تشريع خيار حيوان، مخفى بودن حال حيوان خريدارى شده در زمان عقد است. ولى با اين وجود ـ اگر چه عوض كالاى فروخته شده نيز حيوان باشد** **[(23)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "110f23" \o " جواهر الكلام، ج29، ص62 و 63.)، اين خيار براى فروشنده ثابت نيست. هر چند مخفى بودن حال حيوان در اين جا هم به قوت خود باقى است ولى چون فقط حكمت خيار حيوان بيان شده و علت و مناط آن بيان نشده است، براى فروشنده چنين حقى را قائل نشده‏اند.** **[(24)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "110f24" \o " جواهر الكلام، ج29، ص62 و 63.)**  **[(23)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11023) جواهر الكلام، ج29، ص62 و 63.**  **[(24)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11024) جواهر الكلام، ج23 ، ص27.** |   **[110]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **وحدت مناط و الغاى خصوصيت** |  |  | | | **6 ـ عموم و اطلاق:اگر چه نفى خصوصيت حكم ، به وسيع شدن محدوده آن براى ساير افراد موضوع حكم، منتهى مى‏شود، ولى با بحث عموم و اطلاق تفاوت دارد؛ زيرا توسعه محدوده حكم، در بحث الغاى خصوصيت، بعد از نفى ويژگى مذكور در دليل حكم و عدم توجه به آن حاصل مى‏شود به خلاف توسعه و شمولى كه از عموم و اطلاق استفاده شده و به صورت مستقيم و با استفاده از دليل حكم شرعى حاصل مى‏شود و به نفى خصوصيت مطرح شده در دليل، احتياجى ندارد.**  **نقش احراز موضوع حكم در الغاى خصوصيّت**  **الغاى خصوصيت هميشه متوقف بر احراز ملاك حكم نيست، بلكه مى‏توان با احراز موضوع حكم نيز اين عمل را انجام داد؛ مانند ولايت پدر در مسئله ازدواج دختر صغير خود كه بعد از تأكيدهاى فراوانى كه بر موضوع ولايت پدر نسبت به دختر صغير شده، ممكن است بتوانيم از خصوصيت بكارت در مورد دليل تجاوز كنيم و با الغاى آن، غير باكره را هم در حكم باكره وارد كنيم.** **[(25)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "111f25" \o " الحدائق الناظرة، ج23، ص 204.)**  **بلكه بيشتر موارد الغاى خصوصيت از همين قسم هستند كه در آن، احراز موضوع واقعى و تأكيد بر دخالت آن در فعليت حكم، تأثير زيادى در الغاى خصوصيت از حكم دارد و به همين سبب در بسيارى از موارد از موضوعات احكام، به مناط تعبير مى‏شود.**  **ارتباط بحث با مسئله تبعيت احكام از مصالح و مفاسد**  **از مواردى كه عدليه** **[(26)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "111f26" \o " الحدائق الناظرة، ج23، ص 204.) بر آن اتفاق نظر دارند مسئله تبعيت احكام از مصالح و مفاسد است بر خلاف اشاعره كه اين تبعيّت را نفى كرده و صدور حكم را بدون ملاك و به گونه گزاف نيز جايز مى‏دانند.** **[(27)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "111f27" \o " الحدائق الناظرة، ج23، ص 204.)**  **شخص است كه بحث از وحدت مناط و الغاى خصوصيت وابسته و متوقف برآن**  **[(25)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11125) الحدائق الناظرة، ج23، ص 204.**  **[(26)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11126) الانتصار، ص 264؛ مصباح الفقاهة، ج1، ص344.**  **[(27)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11127) اين مطلب از ايشان در تنقيح الاصول نقل شده است: (تقريرات امام خمينى (ره))، ج2، ص211.** |   **[111]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **سال 13 ≈ شماره 50** |  |  | | | **است كه در مرحله قبل، به وجود ملاكها در احكام اعتراف كرده باشيم؛ زيرا بدون وجود مصالح و ملاك‏هاى احكام، معنايى براى تعميم و گسترش حكم، به سبب وحدت ملاك و مناط باقى نمى‏ماند. البته اين سخن در مواردى كه مناطها و ملاكهاى موضوعيّه براى الغاى خصوصيت مورد نظر باشد، جارى نمى‏شود؛ زيرا سرايت حكم به واسطه مناطهاى موضوعيه، احتياجى به وجود ملاك در احكام ندارد و فقط وجود مناط موضوعى براى تعميم حكم ـ هر چند احكام گزاف و بدون ملاك باشند ـ كافى است؛ چون در اين صورت احكام فقط با تحقق موضوع مرتبط هستند.**  **شرايط الغاى خصوصيت**  **از مطالب گذشته روشن شد كه شرط اساسى براى الغاى خصوصيت، يقين به عدم دخالت آن، در موضوع حكم شرعى است. پس در موارد ظن و گمان و يا احتمال دخالت خصوصيت در موضوع حكم، نمى‏توان آن را نفى كرد** **[(28)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "112f28" \o " فوائد الاصول ،ج3، ص24، مصباح الفقيه،كتاب الطهارة،ج2، ص88.) ؛ زيرا گمان، به هيچ عنوان نسبت به حق واقع نمايى ندارد.**  **پس احتمال عدم دخالت خصوصيت كافى نيست و بايد يقين به عدم تأثير آن داشته باشيم.** **[(29)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "112f29" \o " فوائد الاصول ،ج3، ص24، مصباح الفقيه،كتاب الطهارة،ج2، ص88.)**  **در حقيقت تمام شرايطى كه بزرگان بيان كرده‏اند، پيرامون همين شرط مذكور دور مى‏زند ولى با اين حال براى آشنايى با ابعاد شرايط مطرح شده و آگاهى نسبت به آثار و نتايجى كه در مقام استنباط حكم شرعى بر آنها بار مى‏شود، به آنها اشاره مى‏كنيم:**  **شرط اوّل: وجود قرينه بر الغاى خصوصيت** **[(30)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "112f30" \o " فوائد الاصول ،ج3، ص24، مصباح الفقيه،كتاب الطهارة،ج2، ص88.)**  **بايد براى الغاى خصوصيت، قرينه‏اى داخلى يا خارجى وجود داشته باشد كه بر عدم توجّه به خصوصيت مذكور در حكم شرعى دلالت كند، درغير اين صورت الغاى آن، از**  **[(28)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11228) فوائد الاصول ،ج3، ص24، مصباح الفقيه،كتاب الطهارة،ج2، ص88.**  **[(29)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11229) فقه الصادق ، ج10، ص49.**  **[(30)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11230) معتمد عروة الوثقى ،ج1، ص44، كتاب الطهارة (امام خمينى (ره)) ،ج3، ص468.** |   **[112]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **وحدت مناط و الغاى خصوصيت** |  |  | | | **نوع قياس باطل مى‏شود. پس اگر اجماعى بر عدم اعتبار خصوصيت مذكور در روايت موجود بود، مى‏تواند به عنوان قرينه‏اى خارجى بر عدم توجه به خصوصيت ذكر شده در آن باشد؛ مثلاً اگر مولا بگويد: چون شراب مست كننده است، آن را ننوش، علت مذكور قرينه‏اى داخلى براى الغاى خصوصيت شراب بودن و عموميت بخشيدن به حكم تحريم، براى تمامى مست كننده‏ها است.**  **شرط دوم: عدم مخالفت حكم با قاعده:**  **حكمى كه خصوصيت آن الغا مى‏شود نبايد مخالف با قاعده باشد؛ مانند: حكم به اين كه جنس فروخته شده قبل از قبض آن توسط مشترى، از مال فروشنده به حساب مى‏آيد و چون اين حكم مخالف قاعده است، الغاى خصوصيت بيع در حكم و سرايت آن به ساير عقود، مانند: اجاره و... صحيح نيست.** **[(31)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "113f31" \o " كتاب البيع (امام خمينى (ره))، ج5، ص390.)**  **شرط سوم: مورد الغا شده از امور تعبديه نباشد:**  **لازم است كه مورد الغاى خصوصيت از امور تعبديه نباشد؛ مانند اين كه با الغاى خصوصيت از ادلّه اجتهادى كه براى وجوب غسل مسّ ميت وارد شده است، حكم وجوب غسل را به اجزاى جدا شده از بدن انسان نيز سرايت دهيم در حالى كه احكام وارد شده در مورد ميت انسان، همگى از احكام تعبّدى هستند كه هيچ مجالى براى عرف در الغاى خصوصيت از آنها و سرايت حكم در غير مورد آن وجود ندارد؛ زيرا شايد ميت انسان خصوصيتى داشته باشد كه براى اجزاى جدا شده از بدن انسان چنين خصوصيتى موجود نباشد.** **[(32)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "113f32" \o " كتاب البيع (امام خمينى (ره))، ج5، ص390.)**  **مثال ديگر در اين رابطه خون است كه اگر مقدارش كمتر از درهم باشد در نماز بخشيده شده است و اگر به اندازه درهم يا بيشتر از آن باشد، باعث بطلان نماز مى‏شود و عقل ما از تشخيص فرق مناط حكم در حالت اوّل و مناط حكم در حالت دوم عاجز است. علت اين حكم مخفى است و همانطور كه گفتيم اين حكم از امور تعبّدى است كه عقول م**  **[(31)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11331) كتاب البيع (امام خمينى (ره))، ج5، ص390.**  **[(32)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11332) كتاب الطهارة(امام خمينى (ره))، ج3، ص136.** |   **[113]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **سال 13 ≈ شماره 50** |  |  | | | **از درك آنها عاجز است** **[(33)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "114f33" \o " كتاب الطهارة (امام خمينى (ره))، ج3، ص436.). پس در اين حالت الغاى خصوصيت از خون كمتر از درهم و سرايت آن به بيشتر از درهم صحيح نيست.**  **كشف ملاك و شناخت آن**  **كشف مناط‏ها و ملاكهاى احكام و شناختن آنها امكان پذير نيست** **[(34)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "114f34" \o " كتاب الطهارة (امام خمينى (ره))، ج3، ص436.) مگر اين كه دليلى همچون اجماع يا نص معتبر يا... بر آن دلالت كند.** **[(35)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "114f35" \o " كتاب الطهارة (امام خمينى (ره))، ج3، ص436.) زيرا اگر چه از ناحيه نظرى، دست يافتن به ملاك‏هاى احكام محال نيست ولى بسيار دشوار مى‏باشد. اين مسئله به سبب ضعف عقل و محدوديت اطلاعات انسان است كه غالباً او را در موقعيتى قرار مى‏دهد كه بعضى از زواياى يك واقعيت بر او مخفى مى‏شود و گاهى مصلحتى را در يك عمل درك مى‏كند ولى به ميزان و درجه اهمّيت آن و نبودن مزاحم نسبت به آن مصلحت يقين ندارد. بنابراين تا زمانى كه يقين به تمامى اين موارد حاصل نشود، مناط حكم شرعى كشف نمى‏گردد.** **[(36)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "114f36" \o " كتاب الطهارة (امام خمينى (ره))، ج3، ص436.)**  **اختلاف در ملاك‏هاى احكام**  **از آنجايى كه مناط و ملاك بعضى از احكام براى عدّه‏اى واضح است و در نزد گروه ديگر واضح نيست، اختلافى بين ايشان در سرايت بعضى از احكام و تجاوز از آنها به غير مورد نص واقع شده است و براى آن مثال‏هاى زيادى وجود دارد:**  **الف) تعلّق خمس به زمينى كه ذمّى آن را خريده است.**  **امام باقر (ع) در مورد آن فرموده‏اند:**  **أيّما ذمى اشترى من مسلم أرضاً فانّ عليه الخمس؛** **[(37)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "114f37" \o " كتاب الطهارة (امام خمينى (ره))، ج3، ص436.)**  **هر ذمى كه از مسلمانى زمينى را بخرد بايد خمس آن را بپردازد.**  **[(33)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11433) كتاب الطهارة (امام خمينى (ره))، ج3، ص436.**  **[(34)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11434) نهاية الأفكار، ج1، ص443.**  **[(35)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11435) جواهر الكلام، ج1، ص443.**  **[(36)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11436) دروس في علم الاصول، جزء اوّل از حلقه سوم، ص420 ـ 426.**  **[(37)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11437) وسائل الشيعه، ج6، ص505، باب 19 از ابواب آنچه خمس در آن واجب است.** |   **[114]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **وحدت مناط و الغاى خصوصيت** |  |  | | | **ظاهر فتواى** **[(38)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "115f38" \o " الخلاف، ج2، ص73، چاپ مؤسسه نشر اسلامى،؛شرائع الاسلام، ج1، ص135، مدارك الأحكام، ج5، ص385.) بعضى از فقهاء به سبب اصلى كه در اينجا وجود دارد،** **[(39)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "115f39" \o " الخلاف، ج2، ص73، چاپ مؤسسه نشر اسلامى،؛شرائع الاسلام، ج1، ص135، مدارك الأحكام، ج5، ص385.) اختصاص وجوب خمس به خريدن است در حالى كه شهيد اوّل** **[(40)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "115f40" \o " الخلاف، ج2، ص73، چاپ مؤسسه نشر اسلامى،؛شرائع الاسلام، ج1، ص135، مدارك الأحكام، ج5، ص385.) و شهيد ثانى** **[(41)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "115f41" \o " الخلاف، ج2، ص73، چاپ مؤسسه نشر اسلامى،؛شرائع الاسلام، ج1، ص135، مدارك الأحكام، ج5، ص385.) آن را عموميت بخشيده‏اند تا تمامى انواع انتقالات را ـ اگر چه عقد معاوضه‏اى هم در كار نباشد ـ شامل شود؛ زيرا به نظر آنان مناط در هر دو يكى است.** **[(42)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "115f42" \o " الخلاف، ج2، ص73، چاپ مؤسسه نشر اسلامى،؛شرائع الاسلام، ج1، ص135، مدارك الأحكام، ج5، ص385.)**  **از طرف ديگر، صاحب جواهر، حكم وجوب خمس را تنها به معاوضات سرايت داده و انتقالات را در اين حكم، داخل نكرده است. بنابراين اگر مناط حكم واضح و مورد اتفاق همه بود، اختلاف بين علماء در اين سطح وسيع به وجود نمى‏آمد.** **[(43)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "115f43" \o " الخلاف، ج2، ص73، چاپ مؤسسه نشر اسلامى،؛شرائع الاسلام، ج1، ص135، مدارك الأحكام، ج5، ص385.)**  **ب) كراهت جماع در زمان‏هاى خاص:**  **در روايات، آثار نامطلوبى براى طفل به دنيا آمده از جماع در اين زمانهاى خاص ذكر شده است.** **[(44)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "115f44" \o " الخلاف، ج2، ص73، چاپ مؤسسه نشر اسلامى،؛شرائع الاسلام، ج1، ص135، مدارك الأحكام، ج5، ص385.)**  **شهيد ثانى تمامى اين آثار را به عنوان علت حكم به كراهت ـ نه حكمت آن ـ شناخته است و مى‏گويد:**  **اقتضاى تعليل به سقط فرزند كه در روايت آمده است، كراهت در جماعى است كه منجر به تولد نوزاد شود و يا با زن باردار صورت بگيرد و خطر سقط جنين وجود داشته باشد. بنابراين اگر جماع اين گونه نباشد ـ مثل جماع با زن يائسه ـ به احتمال بسيار زياد، حكم آن عدم كراهت است؛ زيرا در اين باب علّتى غير از آنچه كه در نصوص وارد شده وجود ندارد و در آنها حكم به كراهت ـ بر خلاف آنچه كه فقهاء بيان كرده‏اند ـ به صورت مطلق بيان نشده است؛ پس حكم فقط مختص به مواردى است كه خطر سقط وجود دارد.** **[(45)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "115f45" \o " الخلاف، ج2، ص73، چاپ مؤسسه نشر اسلامى،؛شرائع الاسلام، ج1، ص135، مدارك الأحكام، ج5، ص385.)**  **[(38)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11538) الخلاف، ج2، ص73، چاپ مؤسسه نشر اسلامى،؛شرائع الاسلام، ج1، ص135، مدارك الأحكام، ج5، ص385.**  **[(39)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11539) صاحب جواهر مبناى اين گروه از فقهاء را اصل اولى مى‏داند: در جواهر الكلام، ج16، ص65.**  **[(40)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11540) البيان، ص346.**  **[(41)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11541) الروضة البهية، ج2، ص72.**  **[(42)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11542) صاحب جواهر براى قول آنان استدلال كرده است:ج16، ص66 و 67.**  **[(43)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11543) همان.**  **[(44)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11544) وسائل الشيعه، ج20، ص252 ـ 254، باب 150 از ابواب مقدمات نكاح.**  **[(45)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11545) مسالك الافهام، ج7، ص37.** |   **[115]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **سال 13 ≈ شماره 50** |  |  | | | **از طرف ديگر صاحب جواهر، آثار را به عنوان حكمت ـ نه علت ـ بيان كرده و گفته است:**  **مقصود از چنين تعليل هايى فقط ذكر بعضى از حكمت‏هاى اين حكم است كه به صورت كلى بيان شده است، نه اين كه مراد از آنها وابستگى وجود يا عدم حكم به آنها باشد هر چند هيچ يك از فقهاء اين مطلب را از تعليلهاى مذكور نفهميده‏اند؛ زيرا اين تعليلها در جهت بيان علت حكم نبوده‏اند. بلكه اگر شخصى با تأمّل به آنها نگاه كند، به عدم اراده علت، قطع پيدا مى‏كند همانطور كه شخص خبيرى كه با اقوال علماء آشناست به همين نتيجه خواهد رسيد.** **[(46)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "116f46" \o " جواهر الكلام، ج29، ص62 و 63.)**  **مناطهاى تشريعى و حفظى دراسلام**  **علامه ملانظر على طالقانى** **[(47)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "116f47" \o " جواهر الكلام، ج29، ص62 و 63.) نظريه جديدى را در باب مناطها و ملاكهاى احكام مطرح كرده است و در آن بر وجود دو نوع مناط تأكيد كرده است. به نظر او بعضى از مناطهاى احكام به عنوان پايه و اساس اصل تشريع هستند و بعضى ديگر براى حفظ تشريع و حفظ ملاكهاى آن از نابودى مى‏باشند.**  **مناطهاى تشريعى، مناطهاى مخصوص به هريك از احكام شرعى هستند كه به صورت مستقل بيان مى‏شوند؛ مانند: مست كنندگى كه مناط و ملاك حرمت شراب است و مناطهاى حفظى، مناطهايى هستند كه حكم شرعى از ميان آنها گسترش يافته و مى‏تواند شامل مواردى كه مناط اصلى در آن وجود ندارد نيز بشود؛ مانند: قطره شراب كه نوشيدن آن حرام است اما اين حكم به سبب مست كنندگى شراب نيست ـ زيرا به طور يقين قطره شراب مست كننده نيست ـ بلكه به سبب حفظ حكم حرمت خمر از نابودى مى‏باشد؛ چون امتناع و خوددارى ازنوشيدن يك قطره از شراب، منجر به خوددارى از نوشيدن ميزان مست كننده آن نيز**  **[(46)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11646) جواهر الكلام، ج29، ص62 و 63.**  **[(47)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11647) او عالم و عارف و حكيم و فقيهى متبحّر بوده است و از شاگردان شيخ انصارى بوده و در سال 1240 هـ .ق متولد و در سال 1306 هـ .ق وفات كرده است، اعيان الشيعه، ج10، ص222، الذريعة إلى تصانيف الشيعه، ج22، ص 278.** |   **[116]** |

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | |  |  |  | | --- | --- | --- | | **وحدت مناط و الغاى خصوصيت** |  |  | | | **مى‏شود. به عبارت ديگر، ملاك حرمت شرب خمر، مست كنندگى آن است و مناط تحريم در قطره شراب، دور ساختن از مست كنندگى است كه مناط تحريم است.**  **بدين جهت است كه توسعه در احكام و مناطهاى ثانوى حاصل شده است تا بتواند به عنوان سپرى محافظ براى مناطهاى اصلى در مقابل آسيب‏ها باشد؛ زيرا براى هر چيزى حمايت كننده‏اى وجود دارد و حامى و حافظ مناطها، توسعه و گسترش احكام آن است.** **[(48)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "117f48" \o " مناط الأحكام (ملانظر على طالقانى)، ص 12 ـ 13، چاپ سنگى (1304) هـ)**  **علامه طالقانى با اين تقسيم بندى توانسته است جدلى را كه در مورد بعضى از مناطها، در زمانى كه منتفى شدن آن مناط هيچ تأثيرى در استمرار حكم آن نداشته باشد دفع كند ؛ مانند، مست كنندگى در مثال گذشته كه با وجود نبود مست كنندگى در يك قطره شراب، باز هم حكم به حرمت شرب آن باقى است.**  **محقق نايينى به همين مطلب، اشاره كرده و گفته است:**  **در بعضى موارد انفكاك حكم از ملاك ممكن است؛ مثل: وجود عدّه بر زن مطلّقه كه ملاك وجوب عده، حفظ نسب و جلوگيرى از اختلاط مياه است. اگر چه اين ملاك در تمامى موارد طلاق وجود ندارد، اما به علت آن كه تمييز دادن موارد اختلاط از غير آن كارى بسيار مشكل و حتى غير ممكن است، شارع مقدس براى حفظ غرض حكم، وجوب عدّه را به صورت مطلق و كلى جعل كرده است. هر چند حكم وجوب عده در مواردى كه اشتباهى پيش نمى‏آيد از ملاك حكم خالى است امّا تشريع حكم به صورت مطلق، ناشى از ملاكى است كه اقتضاى آن را دارد و آن، تحفّظ بر غرض از جعل حكم است.** **[(49)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "117f49" \o " مناط الأحكام (ملانظر على طالقانى)، ص 12 ـ 13، چاپ سنگى (1304) هـ)**  **اين نوع از ملاك، همان است كه ما آن را مناط حفظ ناميديم و از مناط حكم و تشريع جدا كرديم.**  **[(48)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11748) مناط الأحكام (ملانظر على طالقانى)، ص 12 ـ 13، چاپ سنگى (1304) هـ**  **[(49)](http://www.islamicfeqh.com/main.php?ObjShow=ShowPage&Tshow=EMagazine&PS=emain&kind=197" \l "11749) أجود التقريرات ،ج1، ص427 ـ 428، و سيد خويى هم به آن اشاره كرده است : مصباح الاصول، ج2، ص93.** |   **[117]** |